

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ فبروری ۲۰۱۹

اخراج رؤساء و اعضای کمیسیونهای انتخابات ضربتی بر "حنیف اتمر"

۲

یکشنبه- ۲۸ دلو ۱۳۹۷- کابل: در قسمت قبلی این نوشته مختصراً به ارتباط علت الال اخراج رؤسا و اعضای کمیسیون انتخابات تذکراتی به عمل آمد در این بخش خواهیم کوشید تا پیامدهای این تصمیم "باندراگ" را مورد بحث قرار دهیم:

۱- دولت دست نشانده در تصمیم اخیر که به اساس گفته دلفک استعمار "غنی احمدزی" محصول خردجمعی تمام میهن فروشان، دیروز، امروز و فردا می باشد، تلاش ورزیده است تا جهت کاستن از میزان خرابی و دشواری هائی که این تصمیم با خود خواهد آورد و جلوگیری از اعلام بطلان کامل انتخابات پارلمانی، زیر نام تغییر قانون گزینش و تقرر اعضای کمیسیونهای انتخاباتی، اعضای برحال کمیسیون را از وظیفه سبکدوش اعلام بدارد. چنین تصمیمی گذشته از این که ضرب المثل "خیز گوساله تا دهن کاهدان است" را در ذهن انسان متبادر می سازد، به شطرنج بازی شباهت می یابد که در یک مسابقه سطح بالای شطرنج، صرف ظرفیت سنجیدن یک چال بعدی را داشته باشد و این که بعد از آن چه خواهد شد اصلاً در مغزش نیز خطور نمی کند.

۲- نخستین مسأله ای که در اتخاذ و اعلام چنین تصمیمی مطرح می گردد، ضرورت اتخاذ تصمیم آنهم در بطن و در جریان یک روند انتخاباتی است. زیرا بر مبنای قوانین نافذه در چنین موقعیت و زمانی قانونگذار حق ندارد قانون جدیدی را تصویب و نافذ اعلام دارد و بر مبنای قانون جدید اعضای سابقه را اخراج اعلام داشته، کسان دیگری را مطابق میل خود به کار گمارد.

۳- حال اگر این ضرورت را اصلاح سیستم باعث شده باشد، اولاً چنین اصلاحی می باید قبل و یا بعد از یک انتخابات صورت گیرد نه در جریان آن و در ثانی هرگاه مسأله اصلاح سیستم در بین باشد، چرا می باید افراد موظف سبکدوش و از آن هم شدید تر به نهاد های عدلی و قضائی معرفی شوند.

۴- "باندراگ" با این تصمیم فکر می گردد که وقتی سیستم را تغییر بدهیم و افراد از کار برکنار گردند هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد- سنجش یک چال- و اما وقتی مسؤولین خلع ید شده به نهاد های عدلی و قضائی معرفی می گردند معنایش این است که در اینجا یا ظن اتفاق جرم وجود دارد و یا هم جرمی اتفاق افتاده است. در صورتی که ظن اتفاق

جرم در بین باشد باز هم ظن اتفاق جرم به معنای مجرم شناختن یک فرد که می تواند نخستین مجازات برایش سبکدوشی از وظیفه باشد، نیست. یعنی فرد مذکور تا اثبات جرم و صدور حکم محکمه بی گناه شناخته شده، هیچ کسی تحت هیچ عنوانی حق ندارد وی را مجازات -خرد و یا بزرگ- نماید.

در صورت دوم هرگاه جرم قابل اثبات اتفاق افتاده باشد و مجرم بالفعل حین ارتکاب جرم دستگیر شده باشد، در آنصورت چگونگی برخورد اصل جرم و رفع ظلم ناشی از جرم نیز مطرح می گردد. وقتی در اینجا مسأله جرایم انتخاباتی در بین است و دولت متوجه می گردد که جرمی اتفاق افتاده یعنی حق احمد به نفع محمود غصب شده است، قضاء مکلف است در عین حالی که مجرم را مجازات می کند، عدالت را با از بین بردن اصل جرم نیز اجراء نماید، یعنی حق تلف شده احمد را مجدداً به وی برگرداند.

معنای این حرف در شرایط انتخابات آن است که انتخابات می باید باطل اعلام شود، در غیر آن نمی شود رؤساء و اعضای کمیسیون انتخابات را به خاطر سوءاستفاده از قدرت و تقلب انتخاباتی مورد پیگرد قرار داد، و فردی را که با پرداخت پول و خریدن یک کارمند دولت، بر کرسی وکالت تکیه زده است، وکیل شناخت.

هموطنان گرامی!

از تمام این توضیحات برمی آید که در یک کشور اشغال شده مانند افغانستان، انتخابات و سایر بازی های دموکراتیک همه همان بالماسکه هائی هستند که اشغالگران و نوکران شان جهت فریب مردم و رونق بازار خودشان به راه می اندازند. تجربه نشان داده است که شرکت در چنین بالماسکه هائی سرانجام جز ننگ و رسوائی برای شرکت کنندگان چیز دیگری به ارمغان نیاورده است.

سرکها ما را می طلبد!!